

بزهکاری یقه سفیدها از منظر امام علی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۷

تاریخ تأیید: ۹۵/۰۴/۱۰

سید محمود میر خلیلی*

چکیده

یکی از تقسیم‌بندی‌های مهم مجرمان که در تعیین نوع واکنش علیه آنان مؤثر است، دسته‌بندی آنها به دو گروه مجرمان متمول، صاحب نفوذ و به تعبیری یقه سفید و گروه دیگر مجرمان ضعیف، فقیر و به تعبیر دیگر یقه آبی است. برای مقابله با بزهکاری دسته نخست که دارای قدرت و استعداد جرایم خطرناک‌ترند، لازم است تدابیر پیشگیرانه ویژه‌ای اتخاذ شود. برای مقابله با این‌گونه مجرمان، هم به لحاظ ماهوی و هم به لحاظ شکلی نیازمند یک سیاست کیفری افتراقی هستیم. این مقاله به واکنش علیه دسته نخست از نگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد. از دیدگاه ایشان مقابله با بزهکاری یقه سفیدها پس از اقدامات ریشه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و نظارت کنترل و مراقبت، با جدیت، شدت و قاطعیت همراه است. از جمله فواید این تقسیم‌بندی که در بیانات امام علی علیه السلام با تعابیری چون مستکبر و مستضعف، قوی و ضعیف، طبقه حاکم و رعیت، اشراف و طبقه سفلی و مانند اینها بیان شده است اینکه جامعه در فرآیندی فراقنانه فقط به بزهکاری افراد ضعیف و جرایم کم‌اهمیت نپردازد و بزهکاری یقه سفیدها و افراد متنفذ را بدون مسامحه تعقیب کند.

واژگان کلیدی: بزهکاری، یقه سفید، یقه آبی، سیاست جنایی، سیاست کیفری، امام علی علیه السلام.

* دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (mirkhalili@ut.ac.ir).

مقدمه

در مطالعه بزهکاری، به دو گروه از بزهکاران برمی‌خوریم؛ دسته نخست، کسانی‌اند که علاوه بر فقر فکری و فرهنگی، دچار فقر مالی و اقتصادی شدید نیز هستند و به همین دلیل گاهی مرتکب جرم می‌شوند. این دسته بسیار راحت‌تر از دیگر گروه‌های اجتماعی برچسب مجرمانه می‌خورند. بسیاری از مطالعات انجام‌شده درباره جرم و پیشگیری، به عواملی مانند فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مشکل مسکن، اعتیاد و مانند اینها اشاره دارد. چگونگی طرح بحث، این پیام ضمنی را در خود دارد که جرایم به وسیله طبقات محروم و ضعیف جامعه ارتکاب می‌یابد. متأسفانه بیشتر نظریات جرم‌شناختی نیز بر این مبنا استوار شده است. حتی دیدگاه‌های سوسیالیستی که خود را طرفدار توده می‌داند و تقابل و تضاد طبقاتی را نقد می‌کند نیز تعارض میان طبقات بورژوا و پرولتاریا را منتج به طغیان و بزهکاری توده می‌داند و همین ایده را دامن می‌زند. در این میان افراد معدودی مانند ادوین ساترلند به بزهکاری افراد صاحب نفوذ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... - یعنی یقه‌سفیدان - پرداخته، آن را در صدر مطالعات خود قرار داده است. امروزه واژه بزهکار یقه‌سفید به بزهکارانی اطلاق می‌شود که با نفوذ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود بی‌آنکه در جامعه ردپایی از خود به جای بگذارند و تحت تعقیب قرار گیرند، مرتکب جرایم فوق‌العاده خطرناک و زیانبار می‌شوند. در اینجا دو مشکل عمده و اساسی وجود دارد که انجام این پژوهش را ایجاب می‌کند؛ نخست، عمده مطالعات پژوهشگران از لحاظ نظری بر محورهای ذکرشده متمرکز شده است که طبقات ضعیف را مستعد رفتار مجرمانه می‌شمارد و از کج‌روی، تبهکاری و جرایم مهم و خطرناک یقه‌سفیدها غافل است؛ دوم، سیاست جنایی بیشتر کشورها به‌ویژه در بخش کیفری و واکنشی، به صورت عملی بر مقابله با افراد محروم و ضعیف جامعه که به تعبیری یقه‌آبی خوانده می‌شوند، از راه کیفر تمرکز دارد و زندان‌ها مملو از چنین افرادی است، در حالی که تعقیب بزهکاران یقه‌سفید روند کارآمدی ندارد.

در نگرش امام علی علیه السلام ماهیت بزهکاری یقه‌آبی‌ها متفاوت از یقه‌سفیدها تبیین شده است؛ به گونه‌ای که جرایم دسته نخست از نوع لغزش و بیماری تلقی می‌شود، ولی رفتار مجرمانه دسته دوم خیانت شمرده شده است. به‌علاوه به لحاظ شکلی نیز در

رسیدگی به جرایم یقه‌سفیدها البته در حریم عمومی و به‌ویژه در امور بیت‌المال امکان تجسس وجود دارد و پس از گزارش مأموران، جرم اثبات‌شده تلقی می‌شود. با توجه به تفاوت اساسی میان بزهکاری عوام و خواص یا به تعبیر دیگر یقه‌آبی‌ها و یقه‌سفیدها، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین مؤلفه‌های یک سیاست جنایی افتراقی کارآمد در مقابله با بزهکاری یقه‌سفیدها چیست؟ براساس برخی دیدگاه‌های جرم‌شناختی، حاکمیت جامعه به عنوان متولی حفظ نظم و امنیت، در مقابله با بزهکاری یقه‌سفیدها زحمت چندانی به خود نمی‌دهد و به لحاظ دشواری کشف و اثبات جرایم این دسته، به رغم علم و اطلاع از وجود مفسد عظیم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌وسیله آنها نسبت به این امر تجاهل می‌کند. به‌علاوه برای رفع تصور کُندی و کم‌کاری در مقابله با جرایم، برخورد قاطع و شدید خود را در مقابل یقه‌آبی‌ها و مرتکبان جرایم کم‌اهمیت‌تر به نمایش می‌گذارد که هر دو اقدام، حرکت در مسیر معکوس است. برخی جامعه‌شناسان چنین عنوان می‌کنند که جامعه ضمن برخورد با یقه‌آبی‌ها که در حقیقت قربانیان جامعه‌اند، می‌خواهد مسئولیت اصلی خود در برابر ابرمجرم‌ان و کوتاهی در اقدامات پیشگیرانه را با فرافکنی طفره برود و این گروه از مجرم‌ان مجازات‌شده را مسئول همه ناامنی‌ها در جامعه معرفی کند (میشل بست، ۱۳۷۷، ص ۶۲). این امر ضرورت پرداختن به این موضوع مهم را مضاعف می‌کند. به تعبیر رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله چنین رویه معکوسی سبب سقوط، انحطاط و نابودی جامعه خواهد شد. ایشان هنگام اجرای حد بر زنی از قریش که مرتکب جرم شده بود، با اعتراض فردی مواجه شد که می‌گفت آیا بر این زن حد جاری می‌کنید در حالی که از خانواده‌ای شریف و از قریش است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

بله! کسانی که قبل از شما بودند در چنین مواردی حد را بر طبقات ضعیف جاری می‌کردند، ولی نسبت به افراد قوی و اشراف، اجرای حد را ترک می‌کردند؛ بنابراین هلاک شدند (نوری طبرسی، ۱۴۰۹، صص ۸ و ۱۷).

از نگاه جامعه‌شناسان جنایی، همیشه در جامعه پیش‌داوری‌ها به نفع طبقات یقه‌سفید و علیه طبقات محروم جامعه است. در برخورد با طبقات فرودست و ضعیف، این نکته در ذهن مجریان شکل می‌گیرد که این‌گونه افراد از خانواده‌های فقیر و محلات بدند، با

افراد خطاکار سروکار دارند و پلیس آنان را هنگام ارتکاب جرم دستگیر کرده است؛ بنابراین مجرم شناخته خواهند شد، ولی برعکس در مورد طبقات یقه‌سفید، ذهن مجریان با این پرسش روبه‌رو می‌شود که چگونه ممکن است افرادی شناخته‌شده و از خانواده‌هایی خوب در موقعیتی قرار بگیرند که مرتکب امر خلافی شوند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۲۶۶).

با مطالعه دیدگاه‌های امام علی^{علیه السلام} در مورد بزهکاران و تقسیم‌بندی آنها به این نکته پی می‌بریم که ایشان بزهکاری عامه یا توده‌های محروم را متفاوت از جرایم طبقات خاص صاحب نفوذ و اقتدار دانسته است و با دو نگاه مجزا، مجریان سیاست جنایی را به اقدام عادلانه و متناسب در مبارزه با بزهکاری این دو گروه فرامی‌خواند. از نگاه ایشان بسیاری از جرایم توده‌های مردم یا رعیت، از نوع لغزش‌ها (زلل) و بیماری‌های اجتماعی (علل) بوده است که بسته به عوامل گوناگون عارض می‌شود؛ بنابراین بزه‌پوشی، عفو، کیفرزدایی، قضازدایی، دفع مجازات در موارد شبهه و مانند آن در نظامی منسجم، تأکید و توصیه می‌شود. در مقابل، بزهکاری مجرمان یقه‌سفید را از نوع خیانت و ننگ تلقی کرده است و به برخوردهای شدید کیفری توجه دارد. در سیره و سخن امام علی^{علیه السلام} نکات بسیار دقیق و ظریفی است که حاکمیت را از پروردن بزهکاران یقه‌سفید در حاشیه امن طبقه حاکم، برحذر می‌دارد. در سیاست کیفری بسیاری کشورها از جمله ایران نه تنها این تفکیک در سیاست جنایی دیده نمی‌شود و افتراقی بودن مد نظر نیست، بلکه گاهی به عکس سیاست‌های سختگیرانه و شدیدی که باید در مورد یقه‌سفیدان به کار رود، نسبت به یقه‌آبی‌ها و کسانی که در حقیقت خود قربانی سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکمیت‌اند، با جدیت اعمال می‌شود.

هرچند امام علی^{علیه السلام} تقسیم جامعه به فقیر و غنی، مستضعف و مستکبر، ظالم و مظلوم و مانند اینها را مطلوب نمی‌داند و این پدیده را ناشی از ظلم، استعمار و استثمار می‌شمارد، ولی این واقعیت را که چنین پدیده‌ای در جامعه وجود دارد و باید واکنش‌های متناسب بر اساس آن صورت گیرد، به عنوان مبنای تفاوت‌های ذکرشده بررسی می‌کند. بزهکاری یقه‌سفیدها ضمن آنکه معضل بزرگی در جامعه به‌شمار می‌رود و گاهی یک جرم آنها به لحاظ حجم صدمات وارده بر بزه‌دیدگان و میزان

خطر با هزاران جرم بزهکاران طبقات پایین و به اصطلاح یقه‌آبی برابری می‌کند، به عنوان یکی از علل و عوامل تبعیض و نابرابری و به تبع آن ازدیاد بزهکاری توده‌ها نیز خواهد بود؛ بنابراین پرداختن به آن از جهات گوناگون اهمیت دارد. امام علی (ع) در سیره و سخنان ارزشمند و گهربار خود اقیانوسی از دانش و معرفت را برای بشریت به میراث گذاشته است که بهره‌گیری از آنها در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه علوم انسانی می‌تواند گره‌گشای مشکلات و معضلات فردی و اجتماعی بشر باشد و انسان هر عصر را به کمال و سعادت حقیقی رهنمون سازد. پیامبر اکرم (ص) به بیان‌های گوناگون، از جایگاه رفیع علمی و معنوی حضرت علی (ع) خبر داده، او را محور حق معرفی کرده است: «علی با حق ملازمت دارد و حق با علی و حق بر گرد شمع وجودش می‌چرخد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۳۷۶). بر همین اساس موضوع بزهکاری مجرمان متنفذ یا یقه‌سفید از نگاه امام علی (ع) در این مقاله بررسی شده است. در پژوهش حاضر، کار با روش توصیفی - تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای دنبال می‌شود؛ نخست مفاهیم مرتبط با موضوع بیان می‌شود، سپس به تبیین سیاست جنایی امام علی (ع)، تدابیر پیشگیرانه کنشی و واکنشی مد نظر ایشان در مقابله با جرایم یقه‌سفیدها و مقایسه آن با تدابیر به کار گرفته‌شده علیه مجرمان یقه‌آبی می‌پردازیم.

۱. مفاهیم و تاریخچه

پیش از ورود به مباحث اصلی لازم است به مفهوم برخی واژه‌ها مانند یقه‌سفید و یقه‌آبی و معادل‌های آنها در آموزه‌های اسلامی و نیز تاریخچه این مباحث اشاره کنیم.

۱-۱. مفاهیم

ابتدا مفهوم بزهکاران یقه سفید و یقه آبی و حالت خطرناک به عنوان یک اصطلاح مرتبط با آنان در دانش جرم شناسی به اختصار بررسی می‌شود.

۱-۱-۱. مفهوم بزهکاران یقه سفید (W.C.C.)* و یقه آبی (B.C.C.)**

شاید ادوین ساترلند (Edvin. H. Sutherland) نخستین کسی بود که واژه «بزهکاری یقه سفیدان» را به کار گرفت. وی یقه سفیدان را عبارت از کسانی می‌داند که در جامعه دارای احترام و برخوردار از یک موقعیت عالی اجتماعی به لحاظ نفوذ و اقتدار باشند. هر چند مفهوم یقه سفیدی همیشه در کنار بزهکاری به کار می‌رود، ولی فرد یقه سفید ممکن است بزهکار نبوده، به دلیل ثروت، قدرت، نفوذ اجتماعی و مانند آن، پتانسیل ارتکاب جرایم بزرگ و پُرخطر را داشته باشد (Sutherland, 1983, p.12). همچنین او دارای این توانایی است که جرم را به گونه‌ای مرتکب شود تا هیچ ردپایی از خود بر جای نگذارد و حتی در صورت کشف جرایم به دلیل ارتباط و نفوذی که دارد، در حاشیه امن و مصون از تعقیب یا محاکمه باقی بماند. به تعبیر ساترلند این دسته که از نظر سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی صاحب نفوذ و اقتدار زیادی بوده، غالباً ظاهری آراسته - کت و شلوار تیره، پیراهن سفید و کراوات مناسب - دارند و با استفاده از قدرت و وجهات اجتماعی و سیاسی بالا، در پناه ظاهر فریبنده و استعداد فکری ممتاز خود به ارتکاب جرایمی چون کلاهبرداری، اختلاس، سوء استفاده از کارت‌های اعتباری و جرایم رایانه‌ای در سطح کلان، جعل و جرایم دیگر در زمینه امور مالی دست می‌زنند (موسوی مجاب، ۱۳۸۳، ص ۶۷).

مهم‌ترین ویژگی‌های بزهکاری یقه سفیدان عبارت است از:

۱. کشف و شناسایی جرایم آنان دشوار بوده، در آمارهای رسمی بزهکاری کمتر منعکس می‌شود.
۲. جامعه در مقابل آن حساسیت و واکنش جدی نشان نمی‌دهد.
۳. برخورد دستگاه‌های قضایی و اجرایی با این دسته از مجرمان همراه با تساهل و تسامح است؛ بنابراین به ندرت تحت تعقیب قرار می‌گیرند.
۴. به دلیل حساسیت برانگیز نبودن این دسته جرایم، در سطح بالایی در جامعه رخ می‌دهد، ولی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

* White-Collar Criminals.

** Blue-Collar Criminal.

۵. مرتکبان این جرایم طبقات ممتازی‌اند که نفوذ قوی اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی داشته، به یقه‌سفیدها معروف‌اند.

۶. در مقایسه با جرایم طبقات محروم، هزینه‌های بسیار سنگین‌تری را به جامعه تحمیل می‌کنند.

۷. آمار قربانیانی که می‌گیرد، بسیار زیادتر از جرایم طبقات محروم است.

۸. ضعیف‌بودن بزه‌دیدگان این‌گونه جرایم، مانع از دفاع و پیگیری قضایی به وسیله آنهاست.

۹. جنبه‌های خشونت بار این جرایم در مقایسه با قتل، ضرب و جرح، تجاوز و مانند آن کمتر نمایان است، ولی در مواردی مهم‌تر و وخیم‌تر است.

۱۰. مرتکبان این‌گونه جرایم اگر از کارکنان و مسئولان نهادهای دولتی نباشند، در این نهادها و سازمان‌ها نفوذ قوی دارند.

۱۱. بسیاری از این جرایم علیه اموال عمومی و دولتی صورت می‌گیرد و زیان‌دیده آن عامه مردم‌اند.

۱۲. در صورت کشف و تعقیب این‌گونه جرایم معمولاً با اعمال نفوذ ناروا، پرونده‌ها از سیر واقعی خود منحرف می‌شوند.

در مقابل، یقه‌آبی‌ها کسانی‌اند که غالباً فاقد قدرت و اعتبار فوق‌العاده اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی بوده، معمولاً به دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی و مانند آن دست به ارتکاب جرم می‌زنند. این دسته در انطباق ظاهری خود با جامعه دارای قابلیت بالایی نیستند و معمولاً پس از ارتکاب جرم بلافاصله دستگیر و راهی زندان می‌شوند. جرایمی که به وسیله این گروه ارتکاب می‌یابد، غالباً جرایم خیابانی و سنتی و عموماً با تکیه بر نیروی عضلانی و زور و خشونت است. این دسته مجرمان، معروف به مجرمان یقه‌آبی یا یقه‌چرکین بوده و گاهی نیز مجرمان خیابانی خوانده می‌شوند (همان، ص ۶۸).

۲-۱-۱. مفهوم حالت خطرناک (Dangerousness)

شناسایی مجرمان یقه‌سفید با تشخیص میزان خطرناکی آنان در ارتباط است. جرم‌شناسان حالت خطرناک را عبارت از شرایط و موقعیت اجتماعی، جسمی، روانی و سوابق فردی می‌دانند که فرد را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد (کی‌نیا، ۱۳۷۳، ص ۱۵). در دانش جرم‌شناسی، میزان خطرناکی فرد با دو معیار سنجیده می‌شود؛

معیار نخست، ظرفیت جنایی است؛ یعنی اینکه فرد به دلیل دانستن موقعیت خاص فردی یا اجتماعی، توان بالقوه ارتکاب چه نوع جرایمی را دارد. هر اندازه جرایم مهم‌تر و شدیدتر باشد، گفته می‌شود ظرفیت جنایی بالاست. معیار دوم، قابلیت انطباق اجتماعی است؛ بدین معنا که پس از ارتکاب جرم، فرد تا چه اندازه توانایی دارد رفتار مجرمانه خود را مخفی نگه دارد و در صورت کشف، تحت عناوین گوناگون آن را موجه جلوه دهد و خود را از تعقیب و انگ مجرمانه مصون دارد.

جرم‌شناسان دو معیار پیش گفته را به دسته‌بندی مجرمان بر اساس میزان حالت خطرناک پرداخته، و خیم‌ترین نوع حالت خطرناک را به مجرمان یقه‌سفیدی مربوط می‌دانند که هم ظرفیت جنایی فوق‌العاده بالایی داشته و دارای توان ارتکاب جرایم سنگین‌اند و به علاوه دارای قابلیت انطباق اجتماعی فوق‌العاده‌ای نیز هستند و به ندرت انگ و برجسب مجرمانه می‌خورند (همان، ص ۱۶).

۳-۱-۱. طبقات اجتماعی

به رغم تلاش برای کاهش فاصله طبقاتی در آموزه‌های گوناگون، وجود طبقات متفاوت اجتماعی انکارناپذیر است. امام علیه السلام می‌فرماید:

مردم به طبقاتی تقسیم می‌شوند که امور بعضی از آنها جز به وسیله بعض دیگر اصلاح نمی‌شود و بعضی از آنها از بعضی دیگر بی‌نیاز نیستند و آنان عبارت‌اند از: سپاهیان (نیروهای نظامی)، نویسندگان عمومی و خصوصی (کارمندان)، قضات عادل، کاغزاران نظام، اقلیت‌های مذهبی، تجار، صنعت‌گران و طبقات فقیر و ضعیف جامعه (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۲۹).

واژه‌های عوام و خواص (بطانه)، ملاً و مترف، در منابع اسلامی زیاد به کار رفته است. واژه عوام، جمع عامه به معنای توده و عموم مردم است. در مقابل، خواص جمع خاصه به معنای گروه ویژه و برجسته مردم است (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۳۲۱، ماده عمم). در سخنان امام علی علیه السلام واژه بطانة مترادف خاصه استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۹). راغب اصفهانی در تعریف این واژه می‌گوید:

بطانة استعاره از افرادی است که به آگاهی نسبت اوضاع و احوال نهانی اختصاص یافته‌اند. خداوند می‌فرماید: «لا تتخذوا بطانة من دونکم: افرادی که از خواص شما بوده و به باطن امور آگاهی دارند» (آل عمران: ۱۱۸ / راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۹).

امام علیؑ در بیان ویژگی‌های خواص می‌فرماید:

بدان که زمامدار، خاصان و صاحبان اسراری دارد که خودخواه و دست‌درازند و در دادوستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۲۹).
هزینه‌های خدماتی که دولت برای تأمین رفاه خواص متحمل می‌شود، سنگین و سرسام‌آور است (همان).

خواص گروهی عافیت‌طلب و خوش‌گذران‌اند که در بحبوحه مشکلات، با دولت همیاری و معاضدت ندارند (همان).

خواص از توزیع عادلانه درآمد و اجرای منصفانه حقوق دلگیر و دلتنگ می‌شوند. خواص بر مطالبات خود پافشاری می‌کنند، برای رسیدن به انتظارات خویش اصرار می‌ورزند (همان).

پس از دستیابی به مطالبات و برآورده‌شدن انتظارات از ملت و دولت سپاسگزاری نمی‌کنند (همان).

اطرافیان زمامدار معمولاً برای خوشامد او سعی در وارونه‌جلوه‌دادن امور داشته، از بیان حقیقت طفره می‌روند. خواص برای حفظ موقعیت خود می‌کوشند خود را با امیال و حتی امور نادرست زمامدار وفق دهند و به وی اظهار ارادت کنند (همان).

امیر مؤمنانؑ به مالک/شتر سفارش می‌کند در ارزشیابی، معیارش عمل کرد اشخاص باشد، نه حسب و نسب: «مبادا بزرگی کسی موجب شود رنج اندک او را بزرگ شماری و مبادا پایینی رتبه کسی سبب شود که کوشش سترگ وی را خوار به حساب آری» (همان).

۱-۲. تاریخچه

ضروری است ابتدا به تاریخچه این مباحث در اسلام و سپس غرب بپردازیم.

۱-۲-۱. گسترش پدیده یقه‌سفیدی پیش از حکومت امام علیؑ

پیش از امام علیؑ تقسیم حقوق و بیت‌المال بر اساس سوابق اسلامی افراد و ترکیب قبیله‌ای، مهاجرت و طبقه‌بندی امت بر پایه قومیت، نژاد و سابقه‌گرایی به اسلام و مانند آن شکل گرفت؛ در نتیجه اختلاف میان طبقات اجتماعی پدید آمد یا افزایش یافت، توقعات و مطالبات شدت گرفت و جامعه به طبقه خواص و عوام تقسیم شد. این سنت غلط، آثار شوم و ناپسند خود را در جامعه اسلامی گذاشت. سیاست‌های

مالی، نظام قبیله‌ای و گروه‌بندی خواص و عام را احیا کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸-۴۷). عثمان خلیفه سوم بخشش‌های ویژه به خویشاوندان را رواج داد. مسعودی در *مروج الذهب* گزارش دارایی برخی اشراف، خواص و به تعبیر ما یقه‌سفیدهای زمان عثمان را چنین گزارش می‌دهد:

عبدالرحمن بن عوف هزار اسب، هزار شتر و ده هزار گوسفند، طلحه و زبیر، ابن‌امیه، زید بن ثابت و مانند ایشان هر یک هزاران اسب، غلامان بسیار و اموال فراوان داشتند و بسیاری افراد دیگر که مجال پرداختن به آنها در این مختصر نیست، ولی آنقدر گسترده و پیشرفته بود که قطب‌بندی امت اسلامی موجب شده بود توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در امور عامه بر محور این‌گونه افراد دور می‌زد و گزینش کارگزاران از میان آنان صورت می‌گرفت (مسعودی، ۱۳۶۳، ص ۳۳۲-۳۳۳).

امام علی علیه السلام در وضعیتی قدرت را به دست گرفت که بر اثر این شکاف و قطب‌بندی، ظاهر و نظام خلافت دچار بحران جدی مشروعیت شده بود.

۲-۱. تاریخچه طرح مباحث مربوط به بزهداری یقه‌سفیدی در غرب

ادوین ا.ج. ساترلند - جامعه‌شناس و جرم‌شناس مشهور آمریکایی - نخستین کسی است که اصطلاح جرم یقه‌سفیدی را به کار برد. ساترلند* به مطالعه نظام‌مند رفتار مجرمانه پرداخت و در این جهت «نظریه معاشرت‌های ترجیحی» (Differential Associations Theory) را مطرح ساخت؛ مدتی بعد، جذب مطالعه جرایم یقه‌سفیدی شد. با بررسی فیش‌های قانونی هفتاد شرکت صنعتی و بازرگانی از بزرگ‌ترین شرکت‌ها در این صنف - به جز بخش عمومی، مالی و بخش نفت - به سمت مطالعه این نوع جرایم هدایت شد. بررسی و مطالعه فیش‌های یادشده نشان داد که همه صنوف بزرگ، قوانین و مقررات بازرگانی را نقض کرده‌اند و حتی برخی از آنها مکرر این کار را انجام داده‌اند. ساترلند رفتار و عمل‌کردی را که دارای چنین ماهیتی است، «جرم یقه‌سفیدی» نام نهاد و

* ساترلند استاد دانشگاه‌های گوناگون در ایالات متحده آمریکا بود و در سال ۱۹۳۵م به سمت مدیر گروه جامعه‌شناسی در دانشگاه ایندیانا منصوب شد. وی در سال ۱۹۲۴م اثر مشهور خود با عنوان اصول جرم‌شناسی را با همکاری دونالد کرسی و در سال ۱۹۳۷م کتاب *سارق حرفه‌ای* را منتشر کرد (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۴).

در سال ۱۹۴۹م کتابی با همین عنوان منتشر کرد. سپس از این نوع جرم به مباشر آن یعنی «بزهکار یقه‌سفید» رسید که در همان سال نیز کتابی با این عنوان منتشر کرد (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۴).

البته نیل شاور (Neal Shower) اظهار داشته است ساترلند نخستین کسی نبود که انگشت اشاره بر جرایم طبقه مرفه نهاد؛ ولی تلاش‌های او آغازگر اهتمام و التفات مستقیم به این‌گونه جرایم و مجرمان خطرناک شد. وی با انتقاد از جامعه‌شناسان جنایی به دلیل تمرکز محدود و محصور بر جرایم افراد فاقد اعتبار و اقتدار، خواستار توجه بیشتر به جرایم افراد متشخص و برخوردار از موقعیت اجتماعی بالا در جامعه امریکایی آن زمان شد، ولی به رغم تلاش‌های درخور تحسین ساترلند به منظور وارد ساختن این مفهوم به فضای جرم‌شناسی و مساعی مؤثر جانشینان وی، پژوهش‌های نظری و تجربی در مورد جرم یقه‌سفیدی به گونه‌ای ناچیز و حاشیه‌ای باقی ماند (موسوی مجاب، ۱۳۸۳، ص ۷۰). جرایم اقتصادی مانند کلاهبرداری، نقض قوانین کار، تخریب محیط زیست، به خطر انداختن بهداشت و سلامت عمومی جامعه و مانند آنها از سویی و جرایم حکومتی مانند سوء استفاده از بودجه عمومی، فساد، رشوه‌خواری و مانند آن از سوی دیگر از عمده جرایم صاحبان قدرت، بورژواها یا به تعبیر ساترلند، یقه‌سفیدها به شمار می‌رود.

۲. انواع بزهکاری یقه‌سفیدان در دیدگاه امام علی علیه السلام

مجرمان یقه‌سفید به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند؛ گروهی از آنان کارگزاران و مسئولان حکومتی‌اند. گروه دیگر، مجرمان اقتصادی و طبقات مرفه‌اند و گروهی نیز با نفوذ در طبقه حاکم، به اهداف و مطامع غیرقانونی خود دست می‌یابند و در حاشیه امن و دور از دسترس دستگاه عدالت کیفری قرار می‌گیرند. مجرمان دارای ضریب هوشی بالا که با تزویر عمل می‌کنند و نزدیکان و بستگان طبقات حاکمیتی، از دیگر گروه‌های یقه‌سفیدی‌اند که در کلام امام علی علیه السلام به آنها اشاره می‌شود. اکنون به بیان دیدگاه‌ها و نوع برخورد امام علی علیه السلام در مقابله با انواع بزهکاران یقه‌سفید می‌پردازیم.

۲-۱. یقه‌سفیدان درون حاکمیت

قضات، والیان، فرمانداران و دیگر طبقات مدیریتی موجود در درون یک نظام حکومتی دارای زمینه ارتکاب جرایم مهم‌اند. از آنجاکه این گروه امانتدار امت و امام‌اند، ارتکاب جرایم از سوی آنها نوعی خیانت در امانت محسوب می‌شود. امام علیه السلام در بیان مهمی می‌فرماید: «إنَّ أعظم الخيانة خيانة الامة و أفظع الغش غش الائمة: همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به امت و زشت‌ترین دغل‌کاری، دغل‌کاری با پیشوایان است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۵۲۸).

امام علی علیه السلام تدابیر گسترده کنشی را در مقابل فساد و ارتکاب جرایمی مانند اختلاس، خیانت، ارتشاء، اعمال نفوذ ناروا و مانند آن مد نظر قرار داده است. به‌علاوه در واکنش علیه این گروه و جرایم آنان نیز سیاست کیفری ویژه‌ای به کار گرفته است. ایشان خطاب به مالک اشتر که به ولایت مصر منصوب شده بود، می‌فرماید:

بدترین یاوران کسانی هستند که قبل از تو همکار اشرار بوده و به مجرمان کمک کرده‌اند؛ بنابراین نباید در ردیف اطرافیان قرار گیرند؛ زیرا اینان یار مجرمان و برادران ستمکاران‌اند. تو می‌توانی از میان مردم کسانی را بیابی که از جهت فکر و نظر و بُرندگی مثل آنان باشند و در عین حال انحراف و کج‌روی و گناه ندارند و به ظلم و ستم دیگران کمک نکرده‌اند و به گناهکاران در گناه یاری ندهاده‌اند (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۳۰).

تدابیر کنشی و واکنشی مخصوص این گروه را در مباحث بعد به تفصیل بیان خواهیم کرد.

۲-۲. یقه‌سفیدان اقتصادی

در میان طبقات مرفه و سرمایه‌داران گروه‌هایی وجود دارند که به دلیل نفوذ اقتصادی و موقعیت خاص خود به دنبال استفاده از فرصت‌های مجرمانه بوده، جرایمی مانند کلاهبرداری‌های کلان، از میان بردن محیط زیست، فروش مواد دارویی یا مواد غذایی غیرمجاز در سطح گسترده، رشاء و مانند آنها را مرتکب می‌شوند. امام علی علیه السلام بازرگانی و تجارت سالم را تأیید و توصیه می‌کند و در حکم انتصاب مالک اشتر می‌فرماید: «درباره بازرگانان و صنعتگران به تو سفارش می‌کنم؛ زیرا اینان سرچشمه سودها و ابزار

آسایش جامعه‌اند» و در ادامه فراز یادشده می‌فرماید:

در میان آنان افرادی تنگ‌نظر، فوق‌العاده بخیل و محترک وسایل مورد نیاز مردم وجود دارد که در نرخ‌گذاری مطابق میل خود رفتار می‌کنند. چنین وضعی برای مردم، زیانبار و برای حاکمان، ننگ و عیب است؛ بنابراین از احتکار جلوگیری کن، به آنان اخطار بده، اگر توجه نکردند، آنان را کیفر بده، بدون آنکه افراط و زیاده‌روی باشد (همان، ص ۴۳۸).

ایشان ضمن آنکه تجار و سرمایه‌گذاران و صنعتگران را جزء طبقات اصلی جامعه می‌شمرد که امور جامعه می‌تواند به دست آنان اصلاح شود، در برابر مجرمان اقتصادی موضع‌گیری جدی و قاطع دارند. برخی افراد مرفه جامعه برای پیشبرد نامشروع اهداف اقتصادی خود، می‌کوشند به طبقات حاکمیت نزدیک شده و از این راه امتیازات لازم را به دست آورند. امیر مؤمنان علیه السلام والی بصره را در خصوص پذیرش یکی از سرمایه‌داران شهر و شرکت در میهمانی او توبیخ و سرزنش کرد و فرمود:

ای پسر حنیف! به من خیر رسیده که مردی از بزرگان بصره تو را به خوانی دعوت کرده و تو به سوی آن مسارعت نموده‌ای. برای تو انواع کاسه‌ها و غذاهای رنگارنگ آورده‌اند. گمان نداشتم تو طعام قومی را اجابت کنی که فقیران را از آن اطعام دور کنند؛ پس نظر کن نسبت به آنچه از طعام‌های شبهه‌ناک می‌خوری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۷۶).

وقتی کسانی به دنبال ویژه‌خواری بودند و به دلیل سوابق و موقعیت اجتماعی شان سهم بیشتری از بیت‌المال مطالبه می‌کردند، کسانی نیز به امام علی علیه السلام توصیه می‌کردند برای حفظ مصالح نظام و به جهت اینکه این افراد در شرایط فعلی دست به تبانی و توطئه زنند، خواسته‌های آنها را عملی کند. امام علیه السلام فرمود:

آیا به من دستور می‌دهید که پیروزی را با ستم بر کسانی که بر آنها حکومت می‌کنم، به دست آورم؟ به خدا سوگند تا زمانی که چرخ روزگار می‌چرخد و ستاره در آسمان به دنبال هم نور می‌افشاند، به چنین کاری دست نخواهم زد. اگر مال خودم بود، به‌طور حتم میان همه به طور مساوی تقسیم می‌کردم تا چه رسد به اینکه ثروت از خدا و بیت‌المال است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳۲).

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری انذاردهنده

نفرستادیم، مگر اینکه مترفان آنها [همان‌ها که مست ناز و نعمت بودند] گفتند ما به آنچه شما فرستاده‌اید، کافریم» (سبأ: ۳۴).

مترف کسی است که از پذیرفتن حق استکبار ورزد. خاصیت اتراف و غوطه‌ور شدن در لذت‌های مادی همین است که قلب آدمی بدان متعلق شود تا آنها را عظیم بشمارد و سعادت خود را در داشتن‌شان بداند؛ اعم از اینکه موافق یا مخالف حق باشد. در نتیجه همواره به یاد حیات ظاهری دنیا بوده، ماورای آن را فراموش کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۵۷۸). برخی مفسران معتقدند این گروه چون تعلیمات انبیا را از یک سو مزاحم کام‌جویی و هوس‌رانی خود می‌دیدند و از سوی دیگر مدافع حقوق محرومانی [بودند] که با غصب حقوق آنها به این زندگی پُرزرق و برق رسیده بودند و از سویی آنها همیشه برای پاسداری مال و ثروتشان قدرت حکومت را یدک می‌کشیدند و پیامبران را در همه این جهات مقابل خود می‌دیدند، به مبارزه برمی‌خاستند. عجیب اینکه آنها به حکم و تعلیم خاصی اشاره نکرده، بلکه به طور کلی می‌گفتند ما به تمام آنچه شما مبعوث شده‌اید، کافریم (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۱۰۵).

۲-۳. یقه‌سفیدان دارای تزویر

برخی مجرمان به دلیل ضریب هوشی بالایی که دارند، بی‌آنکه دست به ارتکاب جرایم خشونت بار بزنند، با استفاده از افراد صاحب نفوذ به‌ویژه طبقات حاکم، اهداف مجرمانه خود را پوشش می‌دهند. این گروه معمولاً یا با مشارکت دادن مقامات عمومی در سود حاصل از جرم یا پرداختن رشوه به آنان و گاهی نیز با روش‌های دیگر مطامع غیرقانونی خود را محقق می‌سازند. امام علی علیه السلام در سخنان خود به این گروه اشاره می‌کند و فرمانداران و کارگزاران خود را از آنان برحذر می‌دارد؛ چنان‌که پیش‌تر به مواردی از روایات اشاره شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۷۶). روایات متعددی در کتب فقهی به موضوع پیشگیری وضعی از راه معرفی کردن و علنی کردن مجرمان بیان شده و ابواب گوناگونی نیز با عنوان «تشهیر المحتال لیحذر منه الناس: معرفی کلاهبردار تا مردم از او پرهیز کنند» و مانند اینها بحث و بررسی شده است (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ص ۴۳۳).

در منابع جرم‌شناسی بخش عمده‌ای از مجرمان یقه‌سفید را شامل افرادی می‌دانند که با استفاده از ضریب هوشی بالای خود و با استفاده از شگردهای خاص مرتکب جرم می‌شوند؛ بنابراین به‌کارگیری یک سیاست خاص در مقابله با این افراد ضروری است (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷). آگاه کردن مردم از روش‌های این گروه یا معرفی آنان از این دست می‌باشد.

۲-۴. نزدیکان

امام علی علیه السلام نزدیکان و خویشاوندان خود را بر دیگران و شیعیانش برتری نداد و هیچ امتیازی به آنان نبخشید؛ حتی با امتیازخواهی و سوء استفاده آنها به شدت برخورد کرد. ایشان با خود به گونه‌ای رفتار می‌کند که وابستگان، اطرافیان و همگان حساب خویش کنند و جرئت سوء استفاده یا راهی برای توجیه آن نداشته باشند. سلامت مدیریت در آن است که والی و زمامدار امور مردم، ملاحظه هیچ‌کس را نکند و نگذارد اطرافیانش دست به حریم مردم و اموال عمومی بکشایند و به واسطه انتساب به او، به چیزی برسند. باز شدن درهای سوء استفاده برای وابستگان مسئولان، نه تنها برای خود آنان تباهی می‌آورد، بلکه جامعه را به بی‌انصافی و بی‌عدالتی و تباهی می‌کشاند. سخت‌گیری حضرت با فرزندان خود چنان بود که همگان بدانند او بی‌جهت به کسی امتیاز نمی‌دهد. از اینکه هنگام به امانت گرفتن گردن‌بند از بیت‌المال، به وسیله دخترش، فرمود: «اگر عاریه مضمونه نبود، او اولین زن هاشمی بود که دستش قطع می‌شد» (طوسی، ۱۴۰۱، ج ۱۰، ص ۱۵۲). معلوم می‌شود از نزدیکان آن حضرت در میان بنی‌هاشم تا آن زمان کسی دست به خیانت دراز نکرده بود. قضیه برخورد شدید امام علی علیه السلام با درخواست عقیل مبنی بر بیشتر گرفتن فقط یک صاع از بیت‌المال، درسی بسیار آموزنده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۴۵).

عبدالله بن جعفر فرزند برادر امام و شوهر حضرت زینب چنان دچار تنگدستی شده بود که برخی از ستوران خود را که وسیله درآمدش بود می‌فروخت، از ایشان خواست دستور دهد قدری بیشتر از سهمیه بیت‌المال به او بدهند. امام در پاسخش فرمود: «به خدا سوگند چیزی ندارم که به تو بدهم، مگر اینکه از عموی خود بخواهی چیزی

بدزد و به تو دهد». طلحه و زبیر نیز که پیوند خویشاوندی با حضرت داشتند، به هنگام زیاده‌طلبی و در خواست مقام، با چنین پاسخ تندی روبه‌رو شدند. همچنین امیر مؤمنان به مالک اشتر یادآور می‌شود که مبادا دیگران به سبب وابستگی به تو، انحصارطلبی کنند و امتیازات نابجا کسب نمایند. آن حضرت به مالک اشتر نوشت:

برای زمامدار، نزدیکان و خویشاوندانی است که اهل استیثار و برتری‌جستن و امتیازخواهی و دست‌درازی‌کردن هستند و در دادوستد، انصاف را کم‌تر به کار بستند؛ پس ریشه ستم را با بریدن اسباب آن از بیخ برکن و به هیچ یک از اطرافیان و بستگان زمینی را به بخشش و امگذار و مبادا در تو طمع کنند که قراردادی به سود ایشان منعقد کنی که مایه زیان سایر مردم باشد (نوری طبرسی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۷۰/ نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۴۲).

۳. راهکارهای مقابله با بزهکاری یقه‌سفیدی

وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ حاکم بر توده‌های مردم متفاوت از شرایط حاکم بر طبقات گوناگون یقه‌سفیدی بوده است؛ بنابراین عوامل گوناگونی نیز باعث گسترش بزهکاری هر طبقه می‌شود؛ برای مثال، اگر فقر و حاشیه‌نشینی از عوامل بزهکاری یقه‌آبی‌هاست، این عوامل در میان یقه‌سفیدها منتفی است و باید به دنبال عواملی از نوع دیگر باشیم. به برخی راهکارهای عمومی ناظر به پیشگیری از بزهکاری یقه‌سفیدها می‌پردازیم.

۳-۱. پیشگیری از جرایم حاکمیتی و کارگزاران

جرایم طبقه حاکم در هر سطحی که باشد، از اهمیت فراوانی برخوردار است. برای مقابله با جرایم این گروه هم تدابیر غیرکیفری منحصر به فرد و هم سیاست کیفری خاص و افتراقی مورد نیاز است که به تفکیک از آن بحث خواهیم کرد.

۳-۱-۱. دقت در گزینش

کافی است در بیان ضرورت دقت در گزینش و اهمیت آن به دو فراز از بیانات امام در نامه ۵۳ نهج البلاغه اشاره کنیم:

از میان مردم، برترین فرد را برای قضاوت انتخاب کن! کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندک اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۵۰).

در فراز دیگری از همان نامه فرمود:

سپس در امور کارمندانت بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت، آنان را به کارهای گوناگون وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا از خاندان پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرمی تر و آبرویشان محفوظ تر و طمع ورزی شان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۳۳).

۲-۱-۳. آموزش و اخطار

کسانی که مسئولیت می گیرند، لازم است پیش از تصدی، آموزش های لازم را ببینند و نسبت به برخی خطرات انذار و آگاهی یابند؛ چنان که امام علی علیه السلام یک منشور طولانی حاوی انواع توصیه ها و اخطارها خطاب به مالک اشتر که فرار بود والی مصر شود، طی نامه ۵۳ **نهج البلاغه** مرقوم فرموده است. این نامه دریایی از مباحث ارزشمند سیاسی، اجتماعی، قضایی، اجرایی و... است. در فرازی از آن می فرماید: «مسئولیت و مقامی که به تو واگذار شده، طعمه ای برای تو نیست، بلکه امانتی است در گردن تو» (همان، ص ۳۶۷). یکی از بزرگ ترین معضلات و موجبات فساد اداری در کشور ما این است که افرادی که پُست خاصی را اشغال می کنند، نه تنها متخصص آن حوزه نیستند، بلکه آموزش لازم را نیز نمی بینند. دست کم فسادی که حتماً وجود دارد این است که این افراد می کوشند کاربلدتر از خود را در این حوزه

راه ندهند تا مبادا جای او را بگیرد یا به کارش ایراد وارد کند. این بهترین راه برای خراب کردن نظام اداری یک کشور است.

۳-۱-۳. تأمین نیازها و اتمام حجت

اهمیت مشکلات مالی تا آنجاست که پیامبر گرامی اسلام، ضعف مالی و اقتصادی را سبب نقض دستورات الهی به وسیله انسان می‌شمرد:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخَبْزِ وَ لَا تَفْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ، لَوْلَا الْخَبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَ لَا صُمْنَا وَ لَا آدَيْنَا
فرائض رینا: خدایا به نان ما برکت بده و بین ما و آن جدایی مینداز که اگر نان نبود، نه نماز می‌خواندیم و نه روزه می‌گرفتیم و نه دیگر واجبات پروردگار را ادا می‌نمودیم (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۷۳).

امام علیؑ نیز در مورد کارگزاران و کارکنان می‌فرماید:

سپس رزق و معیشت آنان را تأمین کن که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر بکوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال زنند و اتمام حجتی است بر آنان. اگر فرمانت را نپذیرد یا در امانت تو خیانت کنند، از جهت بذل و بخشش آنقدر به او اعطا کن که مشکلتش برطرف و نیازش کم شود (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

۳-۱-۴. بازرسی علنی و غیرعلنی

بازرسان باید از شایسته‌ترین، امانت‌دارترین و وفادارترین اشخاص باشند تا با گزارش‌های صحیح، دقیق و سریع، زمینه تصمیم‌گیری بجای و کارساز را فراهم کنند و از گزارش‌های خلاف واقع به دور باشند. امیر مؤمنانؑ در توصیف مأموران از واژه «عیون» - جمع «عین» - استفاده می‌کند. این واژه به این مهم اشاره دارد که مأموران بازرسی باید مانند چشم برای حاکم قابل اعتماد باشند:

ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثِ الْعِیُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ: رفتار آنان را مورد بازرسی قرار بده و مأموران مخفی که اهل صداقت و وفاداری هستند را به سوی آنان بفرست، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود (همان، ص ۴۳۳).

تأکید امام علیؑ بر اعزام بازرسان به دورترین نقاط بلاد اسلامی و کسب خبر از رفتار و کردار کارگزاران و خدمتگزاران مردم، در جریان امور قرارگرفتن رهبر جامعه اسلامی،

شایستگی بازرسان و مأموران حکومتی، برخورد قاطع با خائنان و فاسدان، همه درس آموزنده‌ای است که امروز نیز ضروری و بدیع می‌نماید. تعبیر به «و ابعث العیون» می‌رساند که در صورت لزوم، اعزام بازرسان از مرکز یا از یک منطقه دیگر، امری ضروری است. مهم‌تر از این امر، فرمان حضرت علی (ع) به لزوم بازرسی مخفیانه است: «فإن تعاهدک فی السرِّ لأمرهم حدوة لهم». جمله نخست نیز که امام می‌فرماید: «ثم تفقد أعمالهم»، کاوش، پیگیری، جست‌وجو، مراقبت و مانند آن را می‌رساند. دو نوع بازرسی و رسیدگی در سخنان و رویه امام (ع) دیده می‌شود؛ یکی رسیدگی و بررسی حضوری است «و تفقد أمورهم بحضرتک» و دیگری رسیدگی و بازرسی در دورترین نقاط با فرستادن مأمور «و فی حواشی بلادک» (همان، ص ۴۳۴). بازرسی سالم و مستمر نیاز حیاتی و اساسی جامعه است که متأسفانه جدی گرفته نشده است. مناصب دولتی و محل کار همانند حریم خصوصی افراد نیست، به همین دلیل، علاوه بر نظارت رسمی و علنی، به نظارت مخفی و غیرعلنی نیز تأکید شده است.

۲-۲. واکنش پس از ارتکاب

در اعمال واکنش، فرض بر این است که گام‌های پیشینی انجام شده و فرد به رغم اتمام حجت دست به خیانت و ارتکاب جرم زده است؛ بنابراین نوبت به واکنش می‌رسد. از مجموع واکنش‌هایی که نسبت به انواع مجرمان در سیاست جنایی امام علی (ع) ملاحظه می‌کنیم، به نظر می‌رسد شدیدترین واکنش علیه افراد صاحب نفوذی است که در درون حاکمیت به آنها اعتماد شده، ولی به ملت خیانت می‌کنند.

۳-۳. مجازات

یکی از ویژگی‌های برخورد و واکنش امام در مقابل بزهکاران درون حکومت، این بود که بدون در نظر گرفتن هرگونه مصلحت‌جویی و بهانه حفظ حیثیت نظام و مانند آن، با خیانتکاران درون نظام برخورد جدی داشت و ضمن مجازات و رسواکردن آنها، موقعیت ارتکاب جرم را از آنان سلب می‌کرد. امام علی (ع) در نامه خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

اگر یکی از آنان (کارگزاران حکومتی) دست خیانت دراز کرد و خبرهای شاهدان مورد اعتماد تو آن را تأیید کرد، به این اکتفا کن و پس از آنکه او را مجازات کردی و آنچه از عملش به دست آورده از او گرفتی، او را به موقعیت خواری و ذلت بنشان و نشان خیانت به او بده و قلاده ننگ اتهام به گردنش بیاویز ... (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۳۶).

در بیان دیگری ضمن تأکید بر عدم مسامحه با مجرمان یقه سفید می فرماید: افراد خوار و خفیف شمرده شده نزد من عزیزند تا حقشان را بگیرم و افراد قوی نزد من ضعیف اند تا زمانی که حقوق پایمال نموده را از ایشان بستانم (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۵).

ایشان طی نامه‌ای به زید بن ابیه عامل عبد الله بن عباس در فارس، کرمان و اهواز می نویسد: به خدا سوگند صادقانه می خورم اگر اطلاع یافتم در بیت المال مسلمانان کم یا زیاد خیانت کردی، آنچنان بر تو سخت می گیرم که موهایت بریزد، کمرت خم شود و اعتبار اجتماعی خود را از دست بدهی (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

یکی از مشکلات و چالش‌های اساسی که در مورد اثبات جرایم یقه سفیدها وجود دارد اینکه آنها در محاسبات خود امید زیادی به فرار از مجازات دارند. ابتدا امید به اینکه جرمشان کشف نشود و در صورت کشف امکان اثبات مجرمیت و تقصیر وجود نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین راه‌های فرار آنان، ادعای فقدان سوء نیت و تلقی فعالیت‌های مجرمانه در قالب امور خیریه، فعالیت‌های خیرخواهانه و مفید به حال جامعه است. اعمال نفوذ بر مقامات انتظامی، قضایی و اجرایی این شیوه را بر آنان سهل تر می‌کند. برخی کشورهای غربی برای جلوگیری از فرار این‌گونه مجرمان از مجازات، مسئولیت مطلق کیفری را پیش‌بینی کرده‌اند. جرایم با مسئولیت مطلق نیازمند اثبات تقصیر نیستند. شاید از عبارت «فإن أحد منهم بسط يده إلى خيانه اجتمعت بها عليه عندك أخبار عيونك اکتفیت بذلک شاهداً» در نامه ۵۳ نهج البلاغه بتوان استفاده کرد که واژه «اکتفیت» حاکی از کفایت عنصر مادی و عدم ضرورت احراز عنصر روانی یا مفروض بودن آن است. قرارداد مبنایی به جز تقصیر جهت احراز مسئولیت کیفری در حقوق جزای اسلام بحث مفصلی را می‌طلبد که در این مختصر ممکن نیست.

۳-۴. عزل

اسلام در سیاست جنایی، علیه کسانی که از موقعیت شغلی به‌ویژه مشاغل عمومی و دولتی سوء استفاده می‌کنند و مرتکب جرم می‌شوند، برخورد سخت و بازدارنده‌ای را در نظر گرفته است. نقل شده است زمانی که به پیامبر ﷺ خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته است، حضرت برآشفته و به او فرمود: چرا آنچه حق تو نیست می‌گیری؟ او در پاسخ با معذرت‌خواهی گفت: هدیه‌ای بود گرفتم. حضرت فرمود: اگر در خانه خود می‌نشستی و از طرف من زمامدار آن محل نبودی، آیا مردم به تو هدیه‌ای می‌پرداختند؟ سپس دستور داد هدیه را گرفتند و به بیت‌المال دادند؛ سپس او را از کار برکنار فرمود (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۱۸۱).

همچنین حضرت در نامه‌ای به مندرین‌جارود چنین نوشت:

به من خبر رسیده است که کارهای بسیاری را بر زمین می‌گذاری و به سرگرمی و تفریح و صید بیرون می‌روی و در ثروت خداوند، نسبت به بادیه‌نشینان قبیله‌ات گشاده‌دستی می‌کنی، گویا میراث پدر و مادر توست ... (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۸۳).

حضرت او را عزل کرد، به زندان انداخت و از وی سی هزار درهم غرامت گرفت (ر.ک: یعقوبی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۰۳).

البته اکنون ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در طبقه‌بندی جرایم، در مجازات درجه چهار انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی را پیش‌بینی کرده است. در همان ماده، درجه پنج ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده، این محرومیت در بند شش تا پنج سال است. محرومیت شغلی برای اشخاص حقوقی به عنوان مجازات اصلی نیز در بند پ ماده ۲۰ همان قانون پیش‌بینی شده است. در مورد اشخاص حقیقی بند پ و ت ماده ۲۳ قانون مزبور با عنوان مجازات‌های تکمیلی و تبعی، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین و انفصال از خدمات دولتی و عمومی را در نظر گرفته است، ولی اجرای این مجازات‌ها در مورد یقه‌سفیدها سازوکار متفاوت و عزم سیاسی و قضایی جدی را می‌طلبد.

۳-۵. استرداد اموال ناشی از جرم

عمده جرایم یقه سفیدی علیه اموال است. در بسیاری موارد به دلیل منافع فراوان حاصله از جرم، مجازات کارآیی لازم را ندارد و به تعبیر جرم شناسان، حسابگر بودن مجرمان باعث می شود هزینه مجازات را در مقابل منافع حاصله از جرم به جان خریدار باشند. امام علی علیه السلام در مقابله با مجرمان یقه سفید که غالباً حسابگرند، به سیاست کاهش منافع حاصله از جرم تأکید کرده، با عبارات گوناگون این موضوع را بیان کرده است. بهترین شیوه پیشگیری از جرایم به ویژه جرایم اقتصادی، عبارت از کاهش منافع احتمالی حاصل از جرم است؛ بنابراین در نامه ۵۳ **نهج البلاغه** می فرماید: «... آنچه از این عمل مجرمانه به دست آورده، از او می گیری».

امیر مؤمنان علیه السلام یکی از اهداف اساسی حکومت خود را موضوع بیت المال و مسائل حیاتی مربوط به آن می داند، تا جایی که در روز بیعت مردم با ایشان در مدینه، بر این موضوع تأکید کرده و فرمود:

به خدا قسم اگر بیابم این اموال را در حالی که با آن زنانی به ازدواج درآمده یا کنیزهایی تملک شده آن را برمی گردانم. همانا در عدالت، آسایشی است و کسی که عدالت بر او سخت آید، ستم و بی عدالتی بر او سخت تر است (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۶).

وقتی یکی از کارگزاران حکومتی اموال بیت المال را حیف و میل کرد، به وی نامه ای نوشت و مرقوم داشت:

از خدا بترس و اموال این قوم را به آنان برگردان! اگر چنین نکنی و خدا به من نسبت به تو امکان بدهد، در برابر خدا عذری ندارم و با شمشیرم تو را به شدت خواهم زد؛ شمشیری که احدی را با آن نزد، مگر داخل جهنم شده است. به خدا قسم اگر حسن و حسین هم مثل آنچه تو کردی انجام می دادند، نزد من جایگاهی نداشته و بر اراده من تأثیری نمی گذاشتند تا آنکه حق را از آنان بگیرم و پرده از انحراف آنان بردارم (همان، ص ۴۱۳).

۳-۶. مقابله با خوی کبر و استکبار در جامعه

کبریا و بزرگی مطلق به خدا اختصاص دارد. کبریا به معنای عظمت و جبروت، پادشاهی و خود را از زیر بار کسی رفتن، بالاتر گرفتن است. این معنای اخیر، عبارت از

کمال ذات و کمال وجوب است؛ بنابراین فقط خدا بدان وصف می‌شود. استکبار و بزرگی جویی کاذب، همیشه فردی نیست، بلکه امکان دارد گروهی یا ملتی را نیز دچار کند. گویی بیماری واگرداری است که چون در اجتماع به درمان آن برخاستند و در ریشه‌کنی آن اقدام نکردند، دیگران را نیز مبتلا می‌کند و سرانجام همه افراد اجتماع را به هلاکت و نابودی می‌اندازد. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می‌گوید:

پس بدانچه ملت‌های مستکبر پیش از شما دچار شدند، پند گیرید، از عذاب خدا (که بر سرشان فرود آمد) و سختگیری‌های او و فروگرفتن‌ها و کیفرهای او و از بر خاک افتادن گونه‌هایشان و بر زمین قرارگرفتن پهلوهایشان اندرز گیرید و همان‌گونه که از پیشامدهای شیخون‌زننده روزگار از خدا پناه می‌جوید، از عوامل زاینده و بالنده خودبزرگ‌بینی هم از او پناه بخواهید (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۸۳).

حضرت علی علیه السلام کبر را با چهره‌های گوناگونش می‌شناساند و مردم را از آن برحذر می‌دارد: «تو را از بزرگی فروختن هشدار می‌دهم! زیرا بزرگی فروختن از هر گناهی بزرگ‌تر و از هر عیبی فروتر است و زیور پوشاک ابلیس می‌باشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۳).

۷-۳. ایجاد فرهنگ ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری

یکی از عواملی که وقوع جرم را تسهیل کرده، بزهکاران را در انتخاب قربانیان خود ترغیب می‌کند، ظلم‌پذیری و عدم مقاومت بزه‌دیدگان است. رفتار بسیاری از بزه‌دیدگان در جرایمی چون کلاهبرداری، اخاذی و مانند آن محرک و مشوق بزهکاران است. در آیات و روایات زیادی ملاحظه می‌کنیم که ستم‌پذیری و قبول بزه‌دیدگی در حد بزهکاری تقبیح و مورد مذمت قرار گرفته است. در قرآن کریم پس از مذمت و تقبیح شدید جرایم ربا‌دادن و رباگرفتن، تأکید می‌کند ستمگری و ستم‌پذیری هیچ‌یک مورد قبول نیست (ر.ک: بقره: ۲۷۹). بخشی از سخنان حضرت علی علیه السلام گویای این است که وجود روابط ظالمانه در جامعه و همچنین تن‌دادن به ظلم، زمینه هلاکت و نیستی جامعه را فراهم می‌کند. در روابط اجتماعی، ظلم حاکی از توزیع نامساوی و تقسیم ناعادلانه ارزش‌های مطلوب اجتماعی در میان گروه‌های جامعه است. در این رابطه، حضرت در مقام بیان بعضی از علل انقراض

اقوام گذشته می‌فرماید: «همانا آنان [حاکمان ظالمه که پیش از شما بودند] هلاک شدند، آنان حق مردم را ندادند و آنها را با رشوه خریدند و به راه باطل‌شان بردند و آنان نیز پیروی کردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۱۴). ابن‌خلدون در مقدمه خود یادآور می‌شود که پدیدآمدن ویرانی و نقصان در جامعه به دلیل ستمگری و تجاوز و همچنین تن‌دادن به ظلم و جور، از واقعیات اجتناب‌ناپذیر است و فرجام ناسازگار آن به دولت‌ها برخواهد گشت (ابن‌خلدون، ۱۳۷۹، ص ۵۵۲).

۳-۸. ترویج سازمان‌یافته امر به معروف و نهی از منکر

اگر در جامعه امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، باید در انتظار رفاه‌زدگی و نیل به بهره‌مندی‌های مادی بدون گرایش به معنویات بود که سرانجامی جز سقوط جامعه نخواهد داشت. در این باره حضرت علی علیه السلام در بخشی از خطبه «قاصعه» می‌فرماید:

به درستی که خداوند سبحان دوران گذشته را که پیش از شما بودند، مورد لعن قرار نداد، مگر به سبب آنکه آنان امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند، پس او سفیهان و نادانان را به سبب ارتکاب معصیت و تحمل‌کنندگان گناه را به سبب ترک بازداشتن آنها مورد لعن قرار داده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۷۷).

ایشان در نامه ۴۷ در وصیتی به فرزندش فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر را وام‌گذارید که بدترین شما حکمرانی بر شما را به دست می‌گیرد و آنگاه هرچه دعا کنید، از شما پذیرفته نمی‌شود». در منابع اسلامی بابی با عنوان «بَابُ مَا أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالنَّصِيحَةِ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ» وجود دارد که نهی از منکر سران را در اولویت قرار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۶۷).

۳-۹. مقابله با استضعاف فکری، سیاسی و علمی

در مکتب علوی توجه خاصی به استضعاف فکری و فرهنگی شده است؛ به گونه‌ای که یکی از حقوق مردم بر حکومت، مقابله با این پدیده شوم اجتماعی است؛ چنان‌که حضرت می‌فرماید: «اما حق شما بر عهده من، تعلیم شماست تا جاهل نمانید و نیز تأدیب و تربیت شماست تا اینکه در شمار عالمان و وارستگان قرار گیرید» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۷۹).

یکی از اقسام استضعاف، استضعاف سیاسی بوده که عبارت است از حکمرانی با زور و قدرت نامشروع بر مجموعه‌ای که شهروندان بر چنین حکومتی رضایت ندارند؛ از سویی قدرت مقابله و براندازی حکومت جور را ندارند و از سوی دیگر، حکومت نیز آنان را با اتکا به قدرت و زور مرعوب ساخته، در حالت استضعاف نگه داشته است. مستضعفان سیاسی کسانی‌اند که مستکبران آنها را از حق خودشان بی‌بهره می‌کنند. یکی از ویژگی‌های حکومت علوی حمایت از قشر مستضعف و آسیب‌پذیر جامعه است. اکثر مردم در حکومت‌ها تحت سلطه قدرتمندان و مستکبران قرار می‌گیرند. حضرت علی علیه السلام یکی از علل پذیرفتن حکومت را از سوی مردم حمایت از مستضعفان و برخورد جدی و قاطع با ظالمان و غارتگران حقوق آنها ذکر می‌کند:

اگر نبود عهدی که خداوند از علما و دانایان گرفته، ناراضی نشوند بر سیری ظالم و گرسنه‌ماندن مظلوم، هرآینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم (همان، ص ۵۰).

۳-۱۰. عزم حکومت بر مبارزه با فساد

در نگاه امام علی علیه السلام فقط در سایه حکومت صالح می‌توان به عدالت اجتماعی رسید. اگر حاکمیت برای مبارزه با فساد یقه‌سفیدها که عمدتاً در بدنه خود او هستند، عزم اساسی نداشته باشد، شعار مبارزه با فساد یک عوام‌فریبی بیش نیست؛ البته هماهنگی و همکاری مردم با حکومت، شرط لازم تحقق این هدف عالی است؛ از این رو حضرت در موارد متعدد به این مهم توجه کرده است. برخورد حضرت با عقیل، برادر ایشان و موارد متعدد مشابه از جمله مواردی است که در **نهج البلاغه** به شیوه زیبایی بیان شده، حاکی از عزم بر عدم مسامحه در امور مربوط به بیت‌المال است. دستگاه قضایی سالم، کارآمد، فعال و در عین حال مبتنی بر قوانین الهی، مهم‌ترین ابزار مهار انحرافات و برگرداندن سلامت جامعه است. به دلیل چنین اهمیتی بخش قابل ملاحظه‌ای از نامه حضرت به مالک اشتر و همچنین مواردی که حضرت به قاضیان خود نوشته است، به اصلاح امر قضا اختصاص دارد: «پس رعیت صالح نمی‌شود، مگر به اصلاح ولات و زمامداران و زمامداران صالح نمی‌شوند، مگر با استقامت مردم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸،

ج ۱۶، ص ۱۲۴). امام علی علیه السلام وعده این تحولات و اصلاحات را در آغاز مسئولیت و زمامداری خود داد و فرمود:

به آنچه می‌گویم، متعهد و پای‌بند هستم و سر حرف خود ایستاده‌ام و با کسی ملاحظه و رو در بایستی نخواهم داشت (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۵۷).
 امر خدا را اقامه نمی‌کند، مگر کسی که اهل ساخت و پاخت و تشابه و سازش با دشمنان نباشد و از طمع‌ها نیز پیروی نکند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، صص ۱۸ و ۲۷۴).
 ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه از علی بن محمد بن ابی‌سیف مدینه‌ای و او از فضیل بن جعد نقل می‌کند:

مهم‌ترین دلایلی که عرب از امیرالمؤمنین علیه السلام بازماند، مسئله مالی بود؛ چون ایشان طبقات شریف را بر ضعیف و عرب را بر عجم برتری نمی‌داد و با رؤسا و امرای قبایل همانند پادشاهان مصادعه (ساخت و پاخت) نمی‌کرد و کسی را از این راه به خود متمایل نمی‌کرد، در حالی که معاویه به عکس این رویه عمل می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۴۹۳ / ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹۷).
 حضرت علی علیه السلام مکرر می‌فرمود: «وَلَا تُخَالِطُوْنِي بِالْمُصَابِعَةِ: بَا مَن بَا زِد وَ بِنْد پنهانی و تبانی معاشرت نکنید» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۳۳۴).

۱۱-۳. شفاف‌سازی و عذرخواهی

یکی از عوامل گسترش بزهکاری در جامعه این است که مردم به حاکمیت بی‌اعتماد باشند. افراد در این صورت تحصیل مال از طرق مجرمانه را حق خود می‌دانند و همیشه احساس می‌کنند حقوق آنان در حال چپاول شدن است؛ بنابراین امام علی علیه السلام به حکام تحت امر خود می‌فرماید:

هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، افشاگری نموده، عذر خویش را آشکارا در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش‌خواهی تو، آنان را به حق وامی‌دارد (نوری طبرسی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۷۰).

این بی‌اعتمادی در موارد بسیاری در نتیجه تبعیض‌ها و تفاوت در برخورد با کسانی است که در بدنه حاکمیت به فساد مشغول‌اند. کتمان‌نکردن این فسادها و برخورد جدی

و قاطع با آنان حس احترام به قوانین را در جامعه تقویت می‌کند و مخفی کردن این مفسد و سعی در حفظ حیثیت نظام از این راه، علاوه بر اینکه استمرار فساد را به دنبال دارد، سبب بی‌اعتمادی مردم نیز خواهد شد.

۴. برخورد امام علی علیه السلام با یقه‌آبی‌ها و بزهدیدگان جرایم یقه‌سفیدی

هرچند موضوع بحث مقاله بزهدکاری یقه‌سفیدهاست که تا حد ممکن مورد بحث قرار گرفت؛ ولی به مناسبت، به‌طور مختصر به بزهدکاری یقه‌آبی‌ها اشاره می‌کنیم. توده‌های عظیم مردم دچار مشکلات و فشارهای گسترده اجتماعی و اقتصادی‌اند. در بروز این مشکلات و فشارهای وارده بر آنان حاکمیت و سیاست‌های حاکم بر جامعه بیشترین سهم را دارد. این امر که همه تقصیر را به گردن مرتکب انداخته، حاکمیت همه تقصیرهای خود را ورای آن پنهان کند، مورد تأیید امام نیست؛ بنابراین در برخورد با یقه‌آبی‌ها که از سویی خود قربانیان جرایم یقه‌سفیدی به‌ویژه حاکمیتی‌اند، با چنین رویکردی سیاستگذاری می‌شود.

۴-۱. یقه‌آبی‌ها

یقه‌آبی‌ها کسانی‌اند که جزء توده مردم‌اند و جرایم کوچک و کم‌اهمیتی را مرتکب می‌شوند. امام علی علیه السلام درباره آنها همواره به مسامحه، تغافل و بزه‌پوشی، کیفرزدایی و قضا‌دایی دعوت دارد و می‌فرماید:

قلب خود را از رحمت و محبت و لطف به مردم پُر کن و در مورد آنان مانند حیوان درنده‌ای که خوردن ایشان را غنیمت می‌شمارد، نباش! پس آنان دو گروه‌اند؛ یا برادران دینی تو یا هم‌نوعان تو در خلقت‌اند. لغزش از آنان زیاد سر می‌زند و دچار بیماری [اجتماعی] می‌شوند و مرتکب عمد و خطا می‌شوند. از عفو و گذشت خود چنان آنان را بهره‌مند کن که دوست داری خدا آن‌گونه بر تو عفو و گذشت نماید ... (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۲۶).

در ادامه سخن مذکور می‌فرماید:

باید بهترین کارها در نظرت عملی باشد که به حق نزدیک‌تر و برای گسترش عدل مفیدتر و برای جلب رضایت و خشنودی مردم جامع‌تر باشد؛ زیرا خشم مردم

خوشحالی نزدیکان را در هم می‌شکند و خشنودی مردم عصبانیت نزدیکان را برطرف می‌سازد (همان، ص ۴۲۹).

امیر مؤمنان علیه السلام در مورد جرایم کم‌اهمیت یقه‌آبی‌ها افراد را از اقرارکردن منع می‌کرد و می‌فرمود: «آیا نمی‌توانید گناهی را که مرتکب شده‌اید، فاش نسازید و به آن اقرار نکنید و روی آن را بپوشانید؛ آن‌چنان‌که خداوند پوشانده است؟!» (صدوق، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۱). در معنای «یفرط منهم الزلل» گفته شده مقصود این است که مردم غیرمعصوم‌اند و «طبعاً دچار اشتباه و خطا می‌شوند» و در معنای «علل» نیز مقصود امراض معنوی و «باطنی و روحی» است و به عبارتی علل، همان اسباب و انگیزه‌های معاصی می‌باشد (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۲۷). در فراز دیگر از عهدنامه، حضرت علی علیه السلام مالک اشتر را به تحمل اشتباهات مردم و نادیده‌گرفتن خطاهای آنها فرامی‌خواند و می‌فرماید:

در مردم عیوبی هست که والی سزاوارترین مردم است به پوشانیدن آنها؛ پس سعی مکن در ظاهرگردانیدن عیب‌ها که بر تو پوشیده است؛ زیرا که نیست بر تو مگر آنکه آنچه بر تو ظاهر شود، مردم را از آنها پاک کن و خدا حکم می‌کند در آنچه بر تو پنهان است؛ پس تا تو عیب‌پوش مردم باشی، خدا آنچه را دوست می‌داری که از رعیت بپوشانی، بر تو بپوشاند (همان، ص ۴۳۰).

۲-۴. بزه‌دیدگان جرایم یقه‌سفیدی

معمولاً بزه‌دیدگان جرایم یقه‌سفیدی توده‌های مردم‌اند. امام علی علیه السلام در جرایم علیه بیت‌المال مردم را به عنوان بزه‌دیده یاد می‌کند: «از خدا بترس و اموال این قوم را به آنان برگردان» (همان، ص ۴۱۳). بسیاری از آنها نیز بزه‌دیدگان خاص‌اند که ناچارند روند اداری طولانی نهادها و مؤسسه‌هایی را طی کنند و بیشتر زمان‌ها چنین فرایندی چیزی بیش از سرخوردگی را برای آنان به همراه نداشته و در پایان، باعث کناره‌گیری همراه با عصبانیت و طرد آنان می‌شود. شهروندانی که بزه‌دیده جرایم یقه‌سفیدها واقع می‌شوند، بارها خشم خود را از اینکه اغفال شده‌اند و احساس سرخوردگی خود را از این مسئله ابراز می‌کنند که قادر نیستند پاسخ متقاعدکننده‌ای از بزه‌کاران یا هر مرجع دیگری دریافت کنند (مور و میلز، ۱۳۸۴، ص ۳۰).

نتیجه

از جمع‌بندی مباحث پیش‌گفته، این نتیجه به دست آمد که موقعیت و شرایط ارتکاب جرم به وسیله یقه‌سفیدها وضعیت متفاوتی دارد؛ بنابراین سیاست جنایی متفاوتی را نیز می‌طلبد و این تفاوت با اصل تساوی تعارضی ندارد. در مورد این گروه از مجرمان نیز اصل بر پیشگیری و تأکید بر آن پیش از واکنش است. آموزش عمومی برای مبارزه با فساد، تأکید بر حاکمیت نظم، انضباط و قانون، اصلاح سیستم‌ها، روش‌ها و شفافیت قوانین و مقررات ضد فساد، ساده‌زیستی، سلامت رهبران و الگوبودن مدیران، عزم حاکمیت و اراده عمومی و جدی برای مبارزه با فساد، ارتقای فرهنگ عمومی و رشد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و مردم، تقویت روح و فرهنگ مبارزه با فساد، آگاهی نسبت به حدود و حقوق اجتماعی افراد و اقشار گوناگون جامعه، افزایش مشارکت عمومی و رقابت سالم در جامعه، هوشیاری در برابر انحراف و فساد زمامداران، دولتمردان و مدیران در تمامی سطوح و حضور، اشراف، نظارت، نقد و انتقاد سازنده و نصیحت خیرخواهانه مردم در مقابله با فساد و به‌کارگیری مدیران کارآمد و شایسته از مواردی است که برای کاهش جرایم یقه‌سفیدی ضرورت دارد.

مقابله با بزهکاری یقه‌سفیدان، بسته به اینکه دارای قدرت و نفوذ در حاکمیت باشند یا جزء وابستگان طبقات حاکمیت بوده یا افراد دارای قدرت اقتصادی باشند، تدابیر کنشی و واکنشی متفاوتی را می‌طلبد که به صورت اجمالی بدان اشاره شد.

یکی از بزرگ‌ترین معضلات در مقابله با جرایم یقه‌سفیدی، ضعف سیاست کیفری است. ابزار کیفری که در مقابل یقه‌آبی‌ها بسیار تیز و بُرنده عمل می‌کند، در برابر یقه‌سفیدها بسی‌کُند و ناتوان است. یقه‌سفیدها حیثیت خود را با حیثیت حاکمیت، نظام و نهادهای آن گره زده‌اند؛ به گونه‌ای که تصور می‌شود برخورد با آنان از موجبات لکه‌دارشدن آبروی حاکمیت یا نهاد و سازمان خاص تلقی شود. کشف و تعقیب جرایم این‌گونه افراد بسیار دشوار است؛ بنابراین شیوه‌های خاصی را می‌طلبد؛ به گونه‌ای که برخی کشورها حتی در مبانی حقوق کیفری خود تغییراتی را ایجاد کرده‌اند. در یک کلام می‌توان نتیجه گرفت سیاست کیفری امام علی^ع در مقابله با بزهکاری یقه‌سفیدها بسیار سختگیرانه و بدون تسامح و به عکس در مورد توده مردم

و یقه‌آبی‌ها همراه با تسامح و استفاده از نهادهایی مانند قضازدایی، کیفرزدایی، بزه‌پوشی و مانند آنهاست، در حالی که رویه در جامعه امروزی کاملاً عکس این امر بوده، این سیاست نیازمند اصلاح است.

سیاست کیفری افتراقی در مقابله با جرایم یقه‌سفیدها بدان جهت که از نگاه جرم‌شناسی در دسته مجرمان فوق‌العاده خطرناک قرار می‌گیرند، ضروری است. اینها کسانی‌اند که با بزه‌دیدگان گسترده و خسارت‌های عظیم و عموماً غیرقابل جبران، جرایم بسیار شدیدی مرتکب می‌شوند. چگونگی ارتکاب این جرایم به لحاظ عنصر روانی و قرارگرفتن مباشرانی ظاهراً قوی به عنوان سپر مرتکبان اصلی و بدون تعقیب و مجازات‌ماندن آنها عملاً سیاست کیفری کنونی را با شکست روبه‌رو کرده است. تعقیب‌نشدن و بدون مجازات‌ماندن این دسته از مجرمان علاوه بر خسارت‌های عظیمی که دارد، باعث اباحه جرم در میان طبقات پایین‌تر و زوال قبح رفتار مجرمانه در میان آنان است؛ بنابراین بی‌توجهی به سیاست کیفری افتراقی علیه بزهکاری یقه‌سفیدها سبب گسترش و افزایش عموم جرایم در جامعه است.

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه؛ گردآوری شریف ابوالحسن محمد رضی، تحقیق صبحی صالح؛ قم: مرکز البعوث الإسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱. ابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
 ۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابی جعفر محمد بن عدی؛ من لایحضره الفقیه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۰ق.
 ۳. ابن خلدون، عبدالرحمن؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی؛ ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
 ۴. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی؛ مناقب آل ائمه الطاهرات؛ ج ۲، نجف: چاپخانه حیدریه، ۱۳۷۶ق.
 ۵. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۱: بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
 ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم (با شرح جمال الدین محمد خوانساری)؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
 ۷. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران و سمت، ۱۳۸۳.
 ۸. داوری، محمد و علی سلیمی؛ جامعه شناسی کجروی؛ تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
 ۹. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۴ق.

۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه‌الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
۱۱. طوسی (شیخ طوسی)، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی؛ تهذیب الأحکام؛ بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
۱۲. فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد بن حسن بن محمد اصفهانی؛ کشف اللثام؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۲، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۴. کی‌نیا، مهدی؛ جرم‌شناسی؛ ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۵. گلپایگانی، محمدرضا؛ درالمنضود؛ ج ۲، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۴ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: انتشارات مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۷، ج ۳۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۳.
۱۸. مور، الیزابت و میخائیل میلز؛ «بزه‌دیدگان نادیده انگاشته شده و هزینه‌های برآورد نشده جرم یقه‌سفیدها»، ترجمه امیر سماواتی پیروز، مجله اصلاح و تربیت؛ ش ۴۸، اسفند ۱۳۸۴.
۱۹. موسوی مجاب، سیددرید؛ «بزه‌کاران یقه‌سفید»، فصلنامه مدرس علوم انسانی؛ ش ۳، پاییز ۱۳۸۳.
۲۰. میرموسوی، سیدعلی؛ «عوام و خواص»، دانشنامه امام علیؑ؛ ج ۶، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۱. میشل بست، ژان؛ جامعه‌شناسی جنایت، ترجمه فریدون وحید؛ مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۲۲. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام؛ قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۳. نوری طبرسی، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بیروت: مؤسسه آل‌البت لایحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.

۲۴. هاشم بیگی، حمید و علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی، ۱۳۷۷.

۲۵. وینسنت، اندرو؛ نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.

۲۶. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب؛ تاریخ یعقوبی؛ بیروت: دار صادر، [بی‌تا].

27. Sutherland, Edwin H.; **White-Collar Crime; The Uncut Version:** With an Introduction by Gilbert Geis and Colin Goff, New Haven, Yale University Press, 1983.

